

از لابلای یادداشت ها و نیشتهای روزمره ام

چرخش حوادث و پوالعجبی های تاریخ

مشخصه های وضعیت کنونی

کنار آمدن ها و کنار رفتن ها

تغییر موضعگیری ها و انتخاب اهداف
چانه زنی ها بمنظور دستیابی بامتیاز
اقداماتی در جهت تأمین منافع
شکل گیری اتحادهای جدید

رهبری "طالب"ها، هیأت گفتگو کننده خودشان را تعیین نمودند. در وضعیت کنونی، ما شاهد سفر آنها به سایر نقاط جهان می باشیم. آنها به مسکو سفر نمودند، همچنان این سفرها به مناطق دیگر جهان نیز صورت گرفت. اما قطعنامه نمبر ۱۲۶۷ شورای امنیت سازمان ملل موجود است که شامل وضع تعزیرات بر آنها می باشد. برای این هیأت مذاکره کننده، جدا از قطعنامه، ایجاد میکانیزم ساده سازی چنین باز دیده ها از صلاحیت های شورای امنیت سازمان ملل میباشد. اقدامات اینچنینی، ممکن در تسریع پروسه حل و فصل قضایای کشور ممد واقع گردد.

در آغاز و اندر باب مسایل مورد بحث باید متذکر گردید که همه دست اندکاران مسایل مربوط به کشور عزیز ما افغانستان و همچنان بسیاری از هموطنان کشور نیز معتقدند که طی سال روان، چشم انداز حل و فصل قضایای کشور ما امیدوار کننده به نظر می رسد. این افغان ها بمنابه یک ملت اند که در مورد تعیین سرنوشت شان تصمیم می گیرند. فاکتورها و شرایط موجود عملن اثبات می رسانند که هنوز هم اصل امکان دستیابی به موفقیت ها عملن موجود بوده و چنین موفقیتی بگمان اغلب که طی سال پیشرو نصیب مردم رنج دیده کشور ما خواهد گردید.

مسأله اقدامات در عرصه راه اندازی گفتگوهای رودر روی صلح میان نیروهای مخالف در کشور ما در محلات مختلفی مطرح بحث قرار گرفته و عملن در دستور کار بسیاری از دست اندکاران مسایل کشور ما قرار داده شد. همچنان در همین حال و اشنگتن آمادگی اش را جهت همکاری با مسکو بمنظور حل و فصل قضایای کشور ما اعلام نمود. طرف ها در مورد شرایط منحصر بفرد کشور ما نیز با در نظر داشت حساسیت هایی به بحث و گفتگو پرداختند. طرفین اظهار داشتند که در نهایت و بلاخره باید این امکان با افغان ها مسیر گردد تا بگونه مستقلانه در مورد آینده خویش، خود تصمیم گرفته و مدل منحصر بفرد خویش را در جامعه و کشورشان برگزینند. با درک مطلب فوق، این امکان عملن موجود می باشد که آمادگی های جانب ایالات متحده جهت همکاری با روسیه در زمینه، قسمن مفید و ممد واقع گردد. در مورد شرایط چنین همکاری، قبیلن تذکراتی بعمل آمده است.

نباید فراموش نمود که گروه دادخواهی صلح، نگرانی خود را از چگونگی مذاکرات و توافق احتمالی صلح با "طالب" ها در نامه سرگشاده ای با نماینده ویژه ایالات متحده برای صلح افغانستان شریک ساختند.

در این نامه از جمله آمده است که رویکرد شتابزده و سیاسی کنونی در مذاکرات صلح با "طالب" ها، نگرانی از بخطر افتادن دستاوردهای نزدیک به دودهه پسین بویژه در مورد حقوق زنان، آزادی بیان و حقوق بشر را بالا برده است. آنها تأکید ورزیدند که دستاوردهای هفده سال پسین در مذاکرات صلح قابل معامله نمی باشد.

در کنار این نگرانی ها، گروه دادخواهی صلح در نامه اش به نماینده ویژه ایالات متحده برای افغانستان، از احتمال خروج شتاب زده نظامیان امریکایی از اراضی افغانستان و پیامدهای آن نیز نگرانی خویش را برجسته ساخته اند. شورای عالی صلح کشور نیز بهمین منظور، سومین نشست مشورتی اش را بتاريخ دوشنبه ۶ ماه حوت زیر نام "مادران و صلح" برگزار نمود.

در این نشست شورای عالی صلح تأکید بعمل آمد که زنان قربانیان اصلی جنگ در کشور هستند و نظریات آنها نباید در گفتگوهای صلح نادیده گرفته شود. این شورا می گوید که زنان متضرران اصلی جنگ در کشور محسوب می گردند. همچنان تأکید بعمل آمد که هیچ معامله ای بدون حضور و موافقه زنان در روند صلح صورت نخواهد گرفت و اگر زنان نادیده گرفته شوند، این کار منطقی نبوده و صلح بدون حضور گسترده زنان اصیل به میان نخواهد آمد.

همچنان شرکت کنندگان این نشست تأکید ورزیدند که پس از چندین دهه جنگ و خونریزی، زنان توانسته اند به آزادی های نسبی شان نایل گردند و اگر حقوق زنان در روند گفتگوهای صلح در نظر گرفته نشود، عدالت اجتماعی قربانی این روند خواهد شد.

منابع نزدیک به "طالب" ها یادآور شدند که در این دور گفتگوها ملا عبدالغنی برادر، معاون دفتر سیاسی آنها همراه با چهارتن دیگر از پاکستان با گذرنامه های افغانی غرض اشتراک در مذاکرات صلح به دوحه آمده و در جلسات نشست متذکره شرکت ورزیدند.

در پنجمین دور گفتگوها میان نماینده های ایالات متحده و "طالب" ها، شماری از چهره های گروه اخیر الذکر که مورد تحریم قرار دارند، از جمله ملاغنی برادر نیز شرکت ورزیدند. منابع یاد شده اظهار داشتند که ملا عبدالغنی برادر، ملا میرخان متقی، ملا عبدالطیف منصور، ملا عبدالمنان عمری و مولوی مطیع الحق از پاکستان در این نشست شرکت ورزیدند.

گفته می شد که در این نشست در مورد یک آتش بس موقت و خروج نیروهای خارجی از افغانستان به بحث و مشوره خواهند پرداخت. همچنان منابع نزدیک به "طالب" ها متذکر گردیده یادآور شدند که پنج تن از اعضای هیأت "طالب" ها توسط هواپیمای ویژه قطری از پاکستان به قطر سفر نمودند.

قابل یادآوری می باشد که دور پنجم نشست ایالات متحده و "طالب" ها نیز مانند چهار نشست قبلی، بدون حضور نماینده های حکومت افغانستان برگزار گردید. در همین حال، حکومت امیدوار است که نتیجه این نشست ها در نهایت منجر به گفتگوهای رودر روی "طالب" ها با جانب حکومت گردد.

پس از تقریبین هشت سال جنگ و نبردهای مسلحانه، بلاخره بمنظور خروج آبرومندان ایالات متحده از افغانستان، مذاکراتی میان هیأت نمایندگی ایالات متحده و نماینده های اعزامی "طالب" ها در قطر آغاز گردید، امیدواری ها در جهت عقد موافقتنامه ای بمنظور تأمین صلح و ختم جنگ و درگیری های مسلحانه در اراضی کشور، عملن بوجود آمده است. مذاکرات در آغاز هفته در دوحه میان نماینده های "طالب" ها و هیأت اعزامی واشنگتن آغاز گردید. گفتگوها از سال قبل با بقدرت رسیدن دونالد ترامپ، آغاز شده بود.

ممکن مسایل گفته آمده در فوق بمثابه جزئیات اصل موضوع تلقی گردد، اما در یک دوسیه قطور بمنظور جستجوی آنچه مورد نیاز ماست، باید تلاش بعمل آید. در اوخر ماه جدی سال روان، شش روز مذاکرات و گفتگوهای میان نماینده های "طالب" ها و هیأت موظف امریکایی انجام پذیرفت. ولی مذاکرات یاد شده بدون نتیجه به پایان رسید، اما در مورد، می توان حاضر گردیدن "طالب" ها به میز مذاکره و گفتگو با هیأت نمایندگی ایالات متحده را نکته قابل توجه محسوب نمود.

هر دو جانب متذکره، در آغاز هفته (بروز دوشنبه) در مورد تهیه سند موقت بمثابه پیش نویسی که باید زمینه ساز یک توافق صلح باشد، به تفاهم رسیدند. قبل بر این، همچنان از جانب "طالب" ها در این مورد تأکید بعمل آمد تا تعزیرات وضع شده در قبیل عده ای از رهبران آنها رفع گردیده و زندانی های "طالب" ها از زندان ها آزاد گردند. در طرف دیگر میز مذاکره، ایالات متحده بر تقاضاهایش از جمله بر انجام مذاکرات و گفتگوهای مستقیم و رودر روی "طالب" ها با دولت افغانستان تأکید ورزید.

قابل یادمانی پنداشته می شود که بروز دوشنبه در دوحه پس از آنکه دور جدید مذاکرات و گفتگوها میان نماینده های ایالات متحده و "طالب" ها آغاز گردید، در مقابل در داخل کشور نیز به تشکیل جرگه صلح مبادرت بعمل آمد. نماینده های دولت افغان

نستان در ملاقات ها و گفتگوهای قطر شرکت نورزیدند و "طالب" ها نیز مانند همیشه از مذاکره و گفتگو با نماینده های دولت، با نماینده های دولتی که از مشروعیت حقوقی و قانونی برخوردار می باشد، ابا ورزیدند.

فراخواندن نیروهای جنگی و نظامی ایالات متحده، قطع آتش و ورود دولت افغانستان در مذاکرات و گفتگوها: سه موضوع متذکره بمتابیه مواردی بود که در نخستین روز نشست یادشده، در دستور کار مذاکره کننده ها (ایالات متحده و "طالب" ها) قرار گرفت. اگر "طالب" ها از حضور در میز مذاکره با جانب نماینده های دولت ابا ورزیده اند، اما با این حال، وعده سپردند که در جرگه مشورتی صلح که قرار است طی ماه حوت سال روان در کابل برگزار گردد، شرکت ورزند.

جانب دولت افغانستان تأکید می ورزد که در اصول، از نماینده "طالب" ها بمنظور شرکت در جرگه یاد شده دعوت بعمل خواهد آمد، چه دولت و شهروندان کشور بمتابیه یک مجموعه، در امر مصالحه کوشا و صادق بوده و در مسیر یادشده ثابت قدم می باشند، آنها ("طالب" ها) بمتابیه افغان ها بوده، جز ملت افغان محسوب گردیده و بمتابیه شهروندان کشور باید در کار جرگه سهم بگیرند.

در اصول، عملن در کمیسیون های مورد نظر توافق بعمل آمد که لویه جرگه یادشده با شرکت دوهزار تن از افراد کشور که ۳۰ درصد آنها را زنان تشکیل می دهند، تدویر یابد.

نباید فراموش نمود که هیچگاهی اصل برپایی و ایجاد دولت موقتی در کار نخواهد بود. موضوعات و مسایل بیشماری در این گفتگوها مورد پوشش قرار داده شد. تعریف ستراتیژی مشترک بمنظور ایجاد و تحکیم صلح در آینده کشور را باید بمتابیه واقعیت عینی پذیرفت. اعلام و برپایی دولت موقتی که از جانب "طالب" ها مطرح گردید، بصورت قطع میسر نمی باشد. همچنان جانب دولت افغانستان معتقد است که با در نظر داشت و در مطابقت با اصول مندرج در قانون اساسی کشور، باید به اقدامات عملی و عملکردهای موثر مبادرت ورزید. همه می دانند که در هیچ کجای قانون اساسی کشور از برپایی حکومت موقت یادآوری و تذکری بعمل نیامده و بهیچ اقدامی خلاف اصول مندرج در قانون اساسی کشور نباید فرصت و مجال داده شود.

اما در شرایط کنونی، شرکت و سهمگیری "طالب" ها در چنین جرگه سنتی دشوار بنظر می رسد. نباید فراموش نمود که یکی از جمله وظایف فرستاده ویژه ایالات متحده در کشور ما اینست تا دعوتنامهایی را برای مخاطبان "طالب" ها بفرستد. بخاطر باید داشت که همه طرف های ذیدخل دوجانبه و چند جانبه در جنگ و مخاصمت، در امر مذاکرات و گفتگوهای عادلانه و منصفانه سهم ورزیده و در نهایت امر، هیچ طرفی از امر مفاهمه و قرار گرفتن در میز مذاکره بمنظور حل و فصل مسایل مطرح نباید محروم گردیده و یا غایب باشد. در مذاکرات و گفتگوهای قطر، "طالب" ها و پاکستانی ها از دستاوردهای زیادی برخوردار گردیدند، اما در مقابل، حاکمیت ملی کشور از کلیه موارد حتا از شرکت مستقیم در کار مذاکرات و گفتگوهای متذکره محروم گردید. این چه نوع صلحی خواهد بود که از خارج محدوده افغانستان و بدون کوچکترین آگاهی نماینده رسمی و حقوقی آن از اصل مسأله، به قلمرو رسمی و پذیرفته شده آن وارد گردد. آیا نیروهای عمده ای که مستقیم در جنگ مشارکت داشته بمفهوم خاص کلمه و تمامی باشندهای این سرزمین بمفهوم عام کلمه، این صلح را بمتابیه دستاورد مبارزه و جد و جهد شان بدست آورده و کمایی می نمایند؟ آیا چنین وضعیتی برای آنها پذیرفتنی می باشد؟

نباید فراموش خاطر ما گردد که ایالات متحده، مذاکرات کنونی با "طالب" ها را نه بمنظور تأمین صلح و ثبات در کشور ما، بلکه بمنظور خروج و فراخواندن آبرومندان قوت های نظامی آن کشور از افغانستان براه انداخته است، بحث خروج نظامیان آن کشور از افغانستان در کنار آنکه بمتابیه بحث حیثیتی برای ایالات متحده پنداشته می شود، مسأله منافع آن کشور را نیز در دستور کار سیاستمداران و نظامیان آن کشور قرار می دهد.

بگونه مجدد، این مسأله قابل یادآوری پنداشته می شود که در اواخر ماه جدی سال روان، هیأت نمایندگی ایالات متحده با نماینده های "طالب" ها در مسایل مربوط به توافق صلح به مذاکره و گفتگو مبادرت ورزیدند که از جمله مستلزم خروج نیروهای رزمی و جنگی خارجی از سرزمین متعلق به افغانستان می باشد. بمنظور بحث در مورد شرایط کلی و بررسی جزئیات مسأله، پس از شش روز بحث و گفتگو در موارد مختلف، ایالات متحده و "طالب" ها به گفته بسیاری ها گویا به توافقاتی نایل گردیدند. از سهمگیری و اشتراک نماینده های دولت افغانستان، در مذاکرات یادشده بگونه رسمی اصلن سخنی در میان نبود.

"طالب" ها، خروج قوت های نظامی و جنگی خارجی را از جمله شرایط تداوم مذاکرات پنداشتند. مطابق اعلامیه رسمی بنشر رسیده، طرف های مذاکره کننده، در موارد دوگانه به تفاهماتی نایل گردیدند، از جمله در مورد خروج قوت های نظامی و محار بوی ایالات متحده و هم پیمانانش از اراضی افغانستان و دیگرهم اینکه بهیچ گروه و دسته بندی تروریستی در اراضی کشور ما اجازه و فرصت فعالیت غرض سرهم بندی نمودن و انجام اقدامات نظامی و خرابکارانه علیه ایالات متحده و هم پیمانانش داده نخواهد شد.

مطابق اطلاعات موجود، در مذاکرات دوحه، طرف های ذیدخل در مورد خروج نظامیان خارجی از اراضی افغانستان، ایالات متحده درصدد آن بود تا خروج یادشده پس از ۱۸ ماه آغاز و طی مدت زمان ۲۴ ماه به پایان رسد، اما جانب "طالب" ها خواستار آغاز این خروج پس از ۳ ماه و بپس رساندن آن طی مدت زمان ۶ ماه بودند.

طرف های یادشده، هرکدام با ارایه منطق خاص و منحصر بفرده شان درصدد امتیاز گیری شدند. امریکایی ها در نظر داشته و مایل بودند تا مرحله فعال خروج نظامی های خارجی، بگونه همزمان با فعالیت های انتخاباتی ریاست جمهوری طی سال آینده در کشور هماهنگ گردد.

اما مسأله ای که به "طالب" ها ارتباط می گیرد، از جمله یکی هم اینکه در نظر داشتند تا انتخابات سال آینده ریاست جمهوری در کشور را مختل نمایند. برای آنها امکانات برهم زدن و ایجاد اختلال پروسه انتخابات، عملن موجود می باشد. اما مدت زمان خروج قوت های نظامی خارجی از اراضی کشور، تشکیل دولت انتقالی آینده در کشور و سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری، از پرسش های اساسی و کلیدی در مورد، مطرح می باشد.

اکنون در حدود دو دهه از آغاز عملیات نظامی ایالات متحده تحت نام عملیات "حفظ صلح" سپری می گردد. جنگ ۱۷ ساله ایالات متحده و هم پیمانانش نهایت اندک و بگونه حداقل از مبارزه با تروریسم بین المللی به امر پشتیبانی و حمایت از حکومت سیکولار افغانستان تغییر محتوایی نموده و درصدد آن شدند تا با تداوم پروسه های آغاز شده پیوسته با آن، قادر گردند تا افغانستان را به دموکراسی غربی نزدیک و نزدیکتر نمایند. اما "طالب" ها در مسیر متذکره پایجادهای موانعی متوسل گردیدند.

هنوز هم باین مسأله وضاحت بخشیده نشده است که به چه طریقی و چه زمانی ایالات متحده به فراخواندن نظامی های آن کشور از افغانستان مبادرت خواهد ورزید. پرسشی در این مورد مطرح می گردد و آن اینکه مأموریت یادشده چگونه و بچه طریقی از قوه بفعال مبدل خواهد گردید. ببینید دولت های ایالات متحده و افغانستان هنوز هم در مورد برنامه خروج قوت های نظامی خارجی از کشور ما به نشر اعلامیه ای مبادرت نورزیده اند.

عمده ترین پرسش در مورد این می باشد که آیا "طالب" ها و ایالات متحده به قول و قرارهای شان در موارد متذکره صادق می باشند؟ البته با در نظر داشت رنج های فراوانی که طی مدت زمان ۱۸ سال، افغان ها با آنها دست و گریبان می باشند و با تلفات و ضایعاتی که بر "طالب" ها وارد آمده، ممکن این واقعیت را بیش از هر موقع دیگر بر ملا نماید که هیچیک از طرف ها، به نقض موارد توافقنامه مبادرت نخواهد ورزید. این نیز مهم می باشد که "طالب" ها وعده سپرده اند که هیچگاهی از افغانستان بمتأبه تخته خیز علیه کشور و یا کشورهای دیگر استفاده بعمل نخواهد آمد.

مسأله ای که بامریکایی ها ارتباط می گیرد، از جمله یکی هم توقف عملیات های نظامی و مراعات آتش بس می باشد. از آنجایی که قدرت و توان رزمی "طالب" ها به آمادگی های جنگی و حربی آنها ارتباط دارد، تا زمانی که بگونه قطعی، جدول زمانی عودت نظامی های خارجی از کشور ما مطرح بحث نباشد، آنها به مبارزه و نبرد شان تداوم خواهند بخشید.

گزینه دیگر انکشاف حوادث نیز موجود می باشد و آن اینکه اگر پروسه خروج قوت های نظامی خارجی قبل از ماه ثور آغاز گردد، دولت افغانستان بمنظور دستیابی به رویکرد مشترک در امر رهبری کشور با "طالب" ها وارد تعاملاتی خواهد گردید. کاملن واضح و مبرهن می باشد که بمنظور فوق، باید دولت عبوری تشکیل گردد. آیا "طالب" ها با چنین طرحی موافق خواهند بود؟ و آیا "طالب" ها در چنین سناریویی سهم خواهند گرفت؟ هنوز در موارد ذکر شده نمی توان پاسخ مشخصی ارائه نمود.

این مسأله کاملن واضح و آشکار می باشد که اگر خروج نظامی های ایالات متحده و ناتو با ضمانت های قوی در عرصه حل و فصل قضایای کشور همراه نگردد، نه تنها افغانستان، بلکه تمامی منطقه را ناآرامی فرا خواهد گرفت. ممکن گروه های بیشماری از مهاجران به سرزمین پاکستان و کشورهای دیگر سرازیر گردیده که معضلات و مشکلاتی در عرصه های امنیتی را با خود به همراه خواهد آورد.

پس، یادآور باید شد که افغانستان بمتأبه دژ مستحکمی، برای ایالات متحده از اهمیت مهم و قابل توجهی برخوردار خواهد بود.

در دورنما و پس منظر حوادث، افغانستان می تواند در عرصه بازار انرژی به کشور ستراتیژیکی مبدل گردد، اما دموکرات های جهان در مورد کشور ما برنامه های دیگری در سر می پروراندند. دولت اسلامی در افغانستان پایه ریزی شده و عده بیشماری از بنیادگراها و جنگجویان گروه های دیگر به کشور ما سرازیر گردیدند.

به یقین کامل که "دولت اسلامی" تهدید بزرگی برای منطقه آسیای میانه محسوب می گردد. بدلیل اینکه عده بیشماری از جنگجویان آنرا، باشندهای همین کشورهای آسیای مرکزی تشکیل می دهند که با عودت به سرزمین های شان، آنها می تواند نند به پخش و اشاعه مفکوره ها و اندیشه های بنیادگرایانه مبادرت ورزیده، تروریست ها را استخدام نموده و بدتر از همه،

رهبری "دولت اسلامی" (داعش) آنها را بمنظور اجرا و انجام اقدامات تروریستی در داخل کشورهای شان تشویق و ترغیب نمایند.

چنین معامله ای بگمان اغلب، بدوش "صلحبانان" امریکایی می باشد تا وضعیت پیش آمده به تحکیم مواضع آنها در منطقه انجامیده و در صورت امکان به افزایش قوت های نظامی شان در منطقه مورد نظر منجر گردد. چنین وضعیتی صلح را بیار نیآورده و بگمان اغلب که ایالات متحده نیز بآن نیازی نخواهد داشت.

باشندهای کشور عزیزما، به دورنمای صلح و امنیت در سرزمین شان اهمیت فراوانی قایل بوده، بآن چشم امید دوخته و جریان وقایع و نحوه تکوین پروسه صلح آغاز شده را با علاقمندی پیگیری می نمایند. خروج نیروهای ایالات متحده و ناتو، بگونه نسبی بر شرایط کشور اثرگذار بوده و بگمان اغلب که صفحه جدیدی را در منطقه خواهد گشود. ممکن تنظیم و راه اندازی همکاری های منطقه ای و ارائه معاونت های متقابل در عرصه های امنیتی، امکان ارتقای ظرفیت تلاش ها و فعالیت های ضد تروریستی را وسعت بخشد. چنین وضعیتی، در نوع خود، سبب شگوفایی منطقه گردیده و بگمان اغلب که موفقیت هایی را در عرصه مبارزه با قاچاق و تجارت غیرقانونی مواد مخدر نیز با خود خواهد داشت.

نباید فراموش نمود که بحث در مورد مسأله افغانستان همچنان ادامه دارد، اعلامیه ای در مورد خروج نیروهای نظامی خارجی از کشور ما بنشر رسیده و مذاکرات صلح نیز در حال انجام می باشد. تکوین مؤفقانه مذاکرات یادشده، چنین امکان و فرصتی را میسر می نماید تا کشور از آستانه جنگ های بی پایان عبور نماید. با این حال، چنین وضعیتی، مشکلات جدیدی بارتباط چگونگی وضعیت فاجعه آمیز اقتصاد کشور را نیز بدنبال خواهد داشت.

در شرایط و وضعیت کنونی بمفهوم وسیع کلمه، بدون موجودیت انرژی برق، هیچ کشوری قادر نخواهد گردید تا سیرتکا ملی اش را مؤفقانه سپری نماید.

در عین زمانی که قوت های مسلح، امر مبارزه علیه گروهها و دسته بندی های تروریستی و شورشی را که بر بخش هایی از کشور تسلط دارند، انجام می دهند، اجتماعات سیاسی و بخش های کاری کشور، علاقمند احیاً و استقرار صلح در سرزمین افغان ها بوده و در جهت طرح برنامه های بزرگ و توسعه آنها از جمله در بخش انرژی برق که در امر انکشاف و توسعه جامعه مؤثر بوده و طبیعتن در امر توسعه تولید بمفهوم وسیع کلمه مفید پنداشته می شوند، جد و جهد می ورزند.

مطابق آمار و ارقام ارائه شده، طی سال ۱۳۹۶ بتعداد ۱۹ میلیون تن از باشنده های کشور (بیشتر از نیمی از نفوس فغانستان) بدون دسترسی به انرژی برق بسر می بردند. از انرژی برق بگونه وسیعی در امر تولیدات نیز استفاده بعمل آمده و چنین ضرورتی سبب وارد نمودن انرژی برق از کشورهای همجوار می گردد. اما باید یادآور شد که کمبود انرژی برق نه تنها در امور تسخین منازل احساس می گردد، بلکه این نبود، اصل بکار انداختن و فعال نگهداشتن چرخه تولیدات بمفهوم اعم کلمه و تولیدات صنعتی را بمفهوم اخص کلمه نیز با کندی و رکود مواجه نموده است.